

بررسی خمس معادن از نظر فقه و قانون موضوعه

سیدعلی هاشمی خانعباسی^۱، محسن صادقی لاریمی^۲

^۱ استادیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری.

^۲ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

نام نویسنده مسئول:

محسن صادقی لاریمی

چکیده

این مقاله به تبیین فقهی خمس بر معادن پرداخته و قوانین موضوعه بر آن را بیان می نماید. توجه به تنوع معادن و فراوانی آن و موارد فقهی و قانونی خمس مترتب بر آن، می تواند نقطه بالقوه‌ای در حمایت از اسلام بوده و از آن در جهت تبلیغ دین استفاده نمود. این موضوع مورد توجه اندیشمندان فقهی و حقوقی بوده و نظرات متعددی درباره آن ارائه گشته است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی قوانین موضوعه و احکام فقهی در شرایط متعدد معادن پرداخته و در پایان این نتیجه عائد می‌گردد که معادن به عنوان بخشی از انفال بوده و در مراحل مختلف یافت و استخراج آن شامل حکم خمس می‌گردد.

واژگان کلیدی: معادن، خمس، انفال، فقه، قوانین موضوعه.

مقدمه

منابع نهفته زمین، از ثروت‌های خدادادی هر ملتی است که مدیریت مصرف و درآمد بر آن می‌تواند اهرم قوی اقتصادی برای آن کشور بوده و نیز در عرصه مالی و به جهت تبلیغ دین مورد استفاده قرار گیرد. این منابع شامل جنگل‌ها و مراعات و سایر ثروت‌های طبیعی نیز می‌گردد. فقه اسلامی، خمس را بر منابع دولتی واجب دانسته و با توجه به نظر فقه ایام امیه وقوانین حقوقی اختیاربهره برداری از معادن را به ولیوحاکماسلامی سپرده است. معدن از جمله هفت موردی است که خمس بر آن مترتب گردیده است. خمس بر معادن از جهت مالی ارزش بالاتری داشته و می‌تواند در اداره امور مملکت اسلامی و ترویج شریعت راهگشا و تامین کننده منابع مالی باشد. در روایت امام علی (ع) «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تُرَاباً ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ هَر كَسِي بِاِذْنِ آبٍ وَ خَاكٍ تَهِي دَسْتُ غَرَّدَ، اِز رَحْمَتِ خَدَاوَنَدِ بَه دُورِ اسْت.» (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۱۵) این روایت با اشاره به حداقل امکاناتی که ممکن است در اختیار انسان قرار بگیرد، این نتیجه را عائد می‌گرداند که منابع مهم و ثروت‌های هر جامعه، باید وسیله‌ای برای قوام و تداوم حکومت اسلامی باشد. حال این سوالات مطرح می‌گردد که منظور از معادن شامل چه منابع و چه معادنی بوده و در شرایط متعدد، قوانین موضوعه بر آن چه می‌باشد؟ این مقاله به مباحث فوق پرداخته و به آن سوالات پاسخ می‌دهد.

پژوهش‌های متعددی بحث معادن را مورد بررسی قرار داده‌اند، چه در حوزه مالکیت و چه در حوزه خمس مترتب بر معادن: مقاله «بررسی فقهی مالکیت معادن با رویکردی بر قوانین موضوعه» اثر طاهر علی محمدی، سمیه نوری و دیگران، چاپ شده در کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی که بحث مالکیت معادن در آن مورد بررسی قرار گرفته است. اگر چه این مقاله موضوع مالکیت معادن به بحث و بررسی گذاشته شده است، اما نگاهی گذرا به عنوان خمس نیز داشته است. همچنین مقاله «خمس معدن» اثر عباس جان نثاری که در مجله فقه اهل البیت به چاپ رسیده است، حد نصاب خمس معدن و خمس ارباب مکاسب را مورد بررسی قرار داده است. با این وجود پژوهش مستقلی که بحث خمس بر معادن و نیز قوانین موضوعه را مورد توجه قرار دهد انجام نپذیرفته است. در ادامه به بررسی مفاهیم مورد استفاده این پژوهش می‌پردازیم:

۱-۱ مفهومی‌شناسی

الف- معادن: معدن در لغتبه معنای استقرار و ثبت است و در قرآن کریم، «جنات عدن» به همین معناست (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۳۲۶). هر چیزی که از زمین استخراج گردد و اصل آن از زمین باشد اما به دلیل مشتمل بودن بر خصوصیت ویژه‌ای که باعث ازدیاد منافع آن می‌گردد (نجفی، ۱۳۶۷، ۳۸: ۱۰۰) و در اصطلاح بدان زمین اطلاق نگردد مانند طلا و نقره، زغال سنگ و ... (طاهری، ۱۴۱۸، ۱: ۱۲۳) نام معدن به خود می‌گیرد در تعریف معدن از نگاه بند «ت» ماده ۱ قانون معادن (مصوب سال ۱۳۷۷) آمده است: «معدن عبارت است از ذخیره معدنی که بهره‌برداری از آن مقرون به صرفه است.»

ب- انفال:

انفال به مفهوم زیادی، بخشش و غنیمت است (نراقی، ۱۴۱۵ق، ۱۰: ۱۳۹). در اصطلاح، انفال به اموالی گفته می‌شود که به پیامبر و جانشینان او اختصاص دارد (صانعی، ۱۳۷۹: ۳۹). آیه نخست از سوره انفال در قرآن کریم، تعریف اصطلاحی انفال را تصدیق می‌نماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْاِنْفَالِ قُلِ الْاِنْفَالُ لِلّٰهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ اَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَ اطِيعُوا اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهُ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِيْنَ اِذْ تُوِّدُوْنَ جِهَادًا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّوْرِ اِنَّ الظُّلُمَاتِ اَكْبَرُ مِنَ النُّوْرِ» (سوره انفال، ۱: ۱۰۰). در باره غنیمت‌ها می‌پرسند بگو غنیمت‌ها از آن خدا و رسول است پس از خدا پروا دارید و روابط خود را اصلاح کنید و از خدا و رسولش اطلاعات کنید اگر مومنینید. انفال به عنوان ثروت و پشتوانه‌ی بیت‌المال، در بعد اقتصادی حکومت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در زمان حیات پیامبر، انفال، اختصاص به آن حضرت داشت و پس از پیامبر در اختیار کسی است که جانشین او در ادامه امور مسلمانان باشد (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۴۱۲) از دیدگاه برخی، انفال و غنائم به یک معناست و تنها تفاوت اعتباری دارند (علی محمدی، نوری، خفایی، بشیری، ۱۳۹۳: ۱۸۷)؛ بدین معنا که در صورت حصول مال به همراه پیروزی (در جنگ)، آن مال، غنیمت خواهد بود و در صورت بخشش از طرف خدا و بدون وجوب و استحقاق حاصل شود نقل نامیده می‌شود و عده‌ای بر این عقیده‌اند که مالی که به عنوان بهره و سود بدست آید- صرف نظر از حصول آن به دلیل استحقاق یا با تلاش و یا بدون رنج- غنیمت است (صانعی، ۱۳۷۹: ۲۲).

ج- خمس:

خمس در لغت به معنای یک پنجم است و در اصطلاح فقه به پرداخت یک پنجم درآمدی که از راه زراعت، صنعت، تجارت، پژوهشو یا کارگری و کارمندی بدست آید اطلاق می‌شود.

خمس به عنوان یکی از فرایض اسلامی شناخته می‌شود. این کلمه تنها یک بار در قرآن کریم ذکر شده است: «واعلموا انما غنمتم من شی فان لله خمس و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل ان کنتم امتکم بالله و اما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقی الجمعان و الله علی کل شی قدیر بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذیقربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند، نازل کردیم ایمان آورده‌اید و خداوند بر هر چیزی تواناست» (انفال، ۴۱) در اهمیت خمس همین بس که در این آیه، پذیرش و عمل به این فریضه‌در کنار ایمان، واز شروط آنقلمدادشده است.

خمس در هفت چیز واجب است: ۱- درآمد منافع کسب و کار ۲- معدن ۳- گنج ۴- مال حلال مخلوط به حرام ۵- جواهراتی که با غواصی از دریا به دست می‌آید ۶- غنائم جنگی ۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان می‌خرد.

در پایان بحث معنانشناسی، لازم به ذکر است که کلمه معدن اگرچه اسم مکان است و به معنای مکانی که در آن سنگ‌ها یا اشیاء قیمتی یافت می‌شود اما در بحث خمس معادن، مراد از معدن، در حقیقت اشیاء استخراج شده از آن است و نه مکان آن.

۲- انواع معادن

در قانون مدنی برایمعادن، تقسیم‌بندی ارائه نشده است. در ماده ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی، معادن جزء بخش دولتی و در مالیکت عموم دانسته شده است.^۱ با این حال در ماده ۲ قانون معادن (مصوب سال ۱۳۷۷)، تصریح شده است که حاکمیت دولت‌ها بر معادن، نمی‌تواند مانع از اعمال مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی در محدوده مقررات باشد. بنابراین اقدام‌کننده به استخراج معدن، مالک کارکرد خود خواهد بود و در کنار آن دولت، نقش اداری و نظارتی خود را خواهد داشت.

فقهامعادن را به نوع ظاهری و باطنی تقسیم نموده‌اند. برخی از حقوق‌دانان با تکیه بر نظر فقها، معنای لغوی ظاهر و باطن را برای انواع معادن پذیرفته و معادن را به دو نوع «سطح‌الارضی یا ظاهری» و «تحت‌الارضی یا باطنی» تقسیم می‌کنند. (امامی، ۱۳۱۴، ۱۰:۱۴۰) در تقسیم بندی دیگر، معادن به دو دسته منطبعه و غیرمنطبعه تقسیم می‌گردد. معادن منطبعه که نیاز به ذوب به وسیله آتش دارد مثل سنگ آهن؛ و معدن غیرمنطبعه که در نیاز به ذوب با آتش ندارد مانند معدن عقیق و فیروزه (جان‌نثاری، ۱۳۹۲: ۱۴)

۲-۱ معادن ظاهری

برخی از فقها، معدن ظاهری را، معدنی می‌دانند که نیاز به وسایل استخراج از باطن زمین ندارد مثل نمک، نفت ظاهر در روی زمین، قیر، کحل و ... (بهجت، ۱۳۸۷، ۵: ۹۶). برخی معتقدند که معادن ظاهری، معدنی هستند که دسترسی به ماده مطلوب در معادن، مستلزم مشقت نباشد مثل نمک، نفت، گوگرد، یاقوت (جرعاملی، ۱۴۰۳، ۶: ۲۳۰). محقق حلی اظهار می‌دارد که معدن ظاهری، معدن سطح الارضی است که نیازی به استخراج ندارد و به تملک خصوصی در نمی‌آید (محقق حلی، ۱۴۰۹، ۴: ۷۹۶). آنچه در مجموع نظرات مذکور می‌توان بیان نمود آن است که معادن ظاهری، معدنی است که به عملیات استخراج و کار و هزینه نیاز نداشته باشد.

۲-۲ معادن باطنی

علامه حلی، عدم وجود معدن در طبقات نزدیک به سطح زمین را شرط باطنی بودن آن می‌داند (علامه حلی، ۱۴۱۹، ۲: ۴۰۳). بنابراین یکی از شروط معادن باطنی، وجود اشیاء آن در اعماق زمین خواهد بود. امام خمینی در رابطه با معادن باطنی تقریر نمودند که: «معدنی که ظاهر نمی‌شوند مگر به کار و علاج مانند طلا و نقره و مس و سرب و همچنین نفت، در صورتی که در استخراج آن به کندن چاه‌ها نیاز باشد» (موسوی خمینی، ۱۴۲۵، ۳: ۳۸۹).

^۱ اصل ۴۴ قانون اساسی بیان میدارد: « معادن جزء بخش دولتی و به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است و مادامی که از محدوده‌ی قوانین اسلام خارج شود و موجب رشد و توسعه اقتصادی مشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.» اصل ۴۵ تصریح می‌نماید: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های اموات یا رها شده، معادن، دریا، دریاچه، رودخانه و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارهای طبیعی، مراتعی که حریم نیست و...»

بنا بر این دو قول مشهور، به معادنی که در اعماق زمین هستند و برای استخراج آنها تلاش و مجاهدت و حفاری لازم است معادن باطنی اطلاق می‌گردد.

۳- خمس بر انواع معدن و حد نصاب آن

در روایت مشهور و صحیح السنند از معصوم آمده است: «فی المعدن خمس» (حر عاملی، ۱۴۱۱، ج ۹، باب ۳، ح ۴-۱، ۶، ۷). طبق این روایت، بر تمام اقسام معادن، خمس واجب است زیرا «ال» در ابتدای کلمه معدن معنای عام بدان می‌بخشد. در بعضی روایات هم به صورت مفرد محلی به «ال» آمده که اطلاقش همه اقسام، چه ظاهری و چه باطنی را در بر می‌گیرد. (جان‌نثاری، ۱۳۹۲: ۱۴). اما در رابطه با حد نصاب خمس، سه قول مشهور است که در ادامه ذکر می‌گردد.

۳-۱ عدم اطلاق شرط حد نصاب برای خمس معادن

قدما با استناد به روایت «فی المعدن خمس»، معتقدند که خمس، صرفنظر از کم و زیاد بودن آن، بر همهی معادن واجب می‌گردد. (جان‌نثاری، ۱۳۹۲: ۱۵)

۳-۲ حد نصاب خمس معادن، یک دینار است.

قائلان به این دیدگاه، روایتی از امام رضا (ع) را مورد استناد قرار داده‌اند. در این روایت از امام رضا (ع) در باب زکات آنچه از دریا خارج می‌شود، لولو و یاقوت و معادن سوال شد؛ امام در پاسخ می‌فرماید اگر به قیمت یک دینار برسد خمس دارد (حرعاملی، ۱۴۱۱، ۹: ۴۹۳-۴۹۱). بر این روایت اشکالاتی وارد است. از جمله اینکه سوال در باب زکات بوده و پاسخ امام در رابطه با حد نصاب خمس است حال آنکه به معدن، زکات تعلق نمی‌گیرد؛ بنابراین یا امام قسمت دوم سوال را پاسخ ندادند یا راوی پاسخ قسمت دوم را تقریر ننموده است.

۳-۳ حد نصاب خمس، بیست دینار است.

برای معتقدان به این قول، روایت امام رضا (ع) در این باب قابل استناد است که فرمودند: «لیس فیہ (المعدن) شیء حتی یبلغ ما یکون فی مثله الزکاه عشرین دینارا» (حر عاملی، ۱۴۱۱، ۹، باب ۴، ح ۱). این روایت صحیح‌السنند می‌باشد و بر مبنای آن حد نصاب معدن، بیست دینار است و به عنوان قیدی بر روایت مطلق بودن خمس است. اما آنچه در این روایت جای اختلاف دارد این موضوع است که بیست دینار مربوط به بعد از کم نمودن مخارج استخراج است یا پیش از آن؟ هر دو قول مذکور در بین علماء، موافقانی دارد. موسوی عاملی (موسوی عاملی، ۱۴۱۴، ۵: ۳۹۲)، آیت‌الله خوئی (خوئی، ۱۴۲۸: ۴۴) و آیت‌الله حکیم (طباطبائی حکیم، ۱۴۱۳، ۹: ۴۵۹) معتقدند که پیش از کم کردن مخارج معدن، اگر قیمت آن به بیست دینار برسد خمس بر آن تعلق می‌گیرد. دلیل آنها، استناد به صحیح بزنطی درباره روایت امام رضا (ع) است: «آنچه از این صحیح فهمیده می‌شود این است که مواد خارج شده از معدن به مبلغ بیست دینار برسد.» (جان‌نثاری، ۱۳۹۲: ۱۷).

از ظاهر روایت و نیز از جمله‌ی صحیح بزنطی این طور استنباط می‌شود که برای تعلق خمس به معدن، باید قیمت معدن در زمان استخراج به بیست دینار برسد، بنابراین اگر پس از یک سال به میزان بیست دینار برسد اما زمان استخراج آن پیش از یک سال باشد و در آن زمان به حد بیست دینار نرسیده باشد خمس به آن تعلق نمی‌گیرد. نظر کاشف الغطا نیز بر این دیدگاه صحه می‌گذارد: «لو بلغ النصاب حین الاخذ ثم نقصت قیمته عنه او بالعکس فالمدار علی حین الاستنباط» (کاشف الغطا، بی‌تا: ۳۶۰) بر طبق این نظر، اگر قیمت معدن در زمان استخراج به بیست دینار برسد اما بعداً قیمت آن کاهش یابد خمس ساقط نمی‌گردد. زمان استخراج در اینجا، زمانی است که عرفاً معدن به فروش می‌رسد. بنابراین اگر قیمت مواد استخراج شده کمتر از ده دینار باشد ولی در زمان فروش به بیست دینار برسد خمس بدان تعلق می‌گیرد.

با بررسی این سه دیدگاه به نظر می‌رسد قول سوم ارجحیت داشته باشد زیرا روایت آن صحیح‌السنند بوده و در حقیقت، صحیح بزنطی را می‌توان تخصیصی بر روایت مطلقه در باب خمس («فی المعدن خمس») دانست.

موضوع دیگر قابل بحث در این حوزه، زمان وجوب خمس است. این موضوع را می‌توان با این سوال مطرح نمود که وجوب خمس معدن قبل از تصفیه باید مورد بررسی قرار گیرد یا بعد از آن؟ با توجه به روایت مطلقه و متن صحیح بزنطی، می‌توان گفت که اگر پیش از تصفیه به اندازه بیست دینار برسد باید خمس آن داده شود. البته قائلان به این دیدگاه، بر روایت دیگری از امام جعفر صادق (ع) که به نام صحیح زراره شناخته می‌شود استناد می‌کنند: «زراره عن ابی جعفر (ع)، قال: سألته عن المعادن ما فیها؟ فقال: کل ما کان فیها»

الخمس و قال: ما عالجته بمالك ففيه- ما اخرج الله سبحانه منه من حجاره مصفى- الخمس» (حرعاملی، ۱۴۱۱، ج ۹، باب ۳، ح ۳) در ظاهر این روایت آمده که در «مصفی»، یعنی در تصفیه شده معدن، خمس واجب است. اما با دقت بیشتر مفهوم اصلی این روایت درک می‌شود. منظور از تصفیه شدن، آن است که مواد و اشیاء برخی معادن نیاز به تصفیه دارد که باید پس از تصفیه، خمس آن پرداخته شود؛ و برخی دیگر به طور خالص در طبیعت یافت می‌شود که نیاز به تصفیه ندارد و بنابراین باید خمس آن پرداخته شود. نظر دیگر در رابطه با این روایت، کاملاً از موضوع «تصفیه شدن» دور و بی‌ارتباط است. به عنوان نمونه، آیت‌الله خوئی، کلمه «مصفی» در این روایت را به معنای خرج در رفته (یعنی کم کردن مخارج استخراج معدن) معنا نموده‌اند (خوئی، ۱۴۲۸: ۵۱).

لازم به ذکر است که مباحث مطرح شده در باب وجوب خمس و حد نصاب، درباره معدنی که با حوادث طبیعی ظاهر می‌شوند مشابه معدنی خواهد بود که نیاز به استخراج دارند (جان‌نثاری، ۱۳۹۲: ۲۳). مخالفان این دیدگاه، با استناد به معنای معدن (چیزی که مستقر و ثابت است) معتقدند که معدنی که با حوادث طبیعی خارج می‌شوند (و آنچه بیرون ریخته می‌شود) از آنجایی که با این تعریف از معدن سازگار نیستند معدن نیستند و خمس هم به آنها تعلق نمی‌گیرد (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ۴: ۳۰۸)، (خوئی، ۱۴۲۸: ۵۳). با توجه به روایت مطلقه خمس، به موادی که از معدن خارج می‌شود خمس تعلق می‌گیرد، چه آن را استخراج نمایند که با سیل و زلزله و سایر حوادث خارج شده باشد.

۴- خمس و شراکت در معدن

یکی از موضوعات دیگری که در باب خمس معادن مورد اختلاف است مربوط به معدنی است که چند شریک در استخراج آن مشارکت دارند. بدیهی است که هر یک از طرفین باید خمس خود را پرداخت نمایند اما آنچه محل اختلاف است مربوط به حد نصاب است. به عبارت دیگر، اگر سهم هر یک از طرفین شریک در استخراج به حد نصاب نرسد اما مجموع سهام به حد نصاب برسد آیا خمس بر آنها واجب می‌شود یا خیر؟ آیت الله خوئی با استناد به صحیح بزنطی در پاسخ به این سوال، همه شرکا را مشمول پرداخت خمس می‌داند (خوئی، ۱۴۲۸: ۴۷). در مقابل، نظر مخالف این دیدگاه، با استناد به روایت امام باقر(ع): «زراره عن ابی جعفر(ع): قلت له: ماتی درهم بین خمس اناس او عشره حال علیها الحول و هی عندهم، ایجب علیهم زکاتها قال: لا هی بمنزله تلک یعنی - جوابه فی الحرث - لیس علیهم شیء حتی یتم لکل انسان منهم ماتا درهم...» (حرعاملی، ۱۴۱۹، ج ۹، باب ۵: ۱۵۱)، در پاسخ به سوال فوق، شرکا را از پرداخت خمس معاف می‌سازد (نجفی، ۱۳۵۷، ۱۶: ۲۰). دلیل دیگر این فقها، استناد بر این حکم است که وجوب خمس دایر بر غنیمت و ملکیت است.

۵- خمس معدن در انفال

پیش از این ذکر شد که معدن از ذخایر و سرمایه‌های دولت محسوب می‌شود. زمین معدن ممکن است در زمین شخصی یا در زمین انفال باشد. از آنجایی که ائمه(ع) استفاده از انفال را بر شیعیان جایز نموده‌اند (حرعاملی، ۱۴۱۱، ج ۹، باب ۴، ح ۱۲، ۱۴)، بهره‌گیری از هر دو نوع از این معادن بر شیعیان حلال شده است اگرچه استخراج از معدن موجود در زمین انفال باید با اجازه حاکمیت صورت پذیرد. البته همانطور که بیان شد مالک حقیقی معدن و سایر زمین‌های انفال، امام معصوم(ع) است که در وقت ظهور، حق هر تصرفی را در ملک خود دارند.

در بین فقها، چهار دیدگاه مختلف در باب واجب بودن اجازه از دولت برای استخراج و حکم انفال بودن معدن وجود دارد. برخی از فقها، همه معدن را جزء انفال می‌دانند. عده‌ای، معدن را به طور کلی از محدوده انفال خارج می‌دانند. شماری از فقها، زمین‌های انفال و سایر زمین‌ها (مانند زمین‌های شخصی) را مبنای انفال بودن یا نبودن معدن مورد توجه قرار می‌دهند. قول چهارم آن است که مسلمانان در معدن ظاهری مشترک‌اند اما معدن باطنی در حکم زمین‌های موات (یا انفال) می‌باشد. هر یک از این چهار دیدگاه مستندات روایی و استدلال‌ات خود را ارائه نمودند که به خاطر دور بودن از بحث اصلی این پژوهش، از بیان آنها خودداری شده است. به نظر می‌رسد قول فقها مبنی بر اینکه معدن، از انفال است قوی‌تر باشد بویژه معدنی که در زمین امام است که سزاوار نیست در تبعیت کردن آن از زمین (در انفال بودن) تردید کرد(علی محمدی، نوری، خفایی، بشیری، ۱۳۹۳: ۱۹۳). امام خمینی نیز در صحیفه نور، موافقت خود با این دیدگاه را بیان نمودند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ۲۰: ۴۰۲).

اما در باب خمس معدن باید به این سوال پاسخ داد که خمس بر معدن انفال تعلق می‌گیرد یا خیر؟ بنابر روایت مطلقه خمس معدن، ادله خمس عمومیت دارد و شامل هر معدنی می‌شود. بنابراین صرفنظر از انفال بودن یا شخصی بودن زمین معدن، (علیرغم جایز بودن استخراج آن) خمس آن باید پرداخت شود.

۶- خمس معادن متعلق به شرکت‌های دولتی و خصوصی

اگر معادن توسط شرکت‌های خصوصی استخراج گردد بدیهی است که خمس آن واجب است. اما اگر دولت خود، به طور مستقیم، استخراج و بهره‌برداری معادن را بر عهده بگیرد، تکلیف خمس این نوع معادن به چه صورت خواهد بود؟ ممکن است برخی با فرض انفال بودن معادن، دولت را از پرداخت خمس معاف بدانند. اما حقیقت آن است که با توجه به نص روایت خمس معادن، پرداخت خمس بر استخراج‌کننده‌آن، صرف‌نظر از اشخاص یا دولت واجب است. خمس انفال به امام (ع) تعلق می‌گیرد و در عصر غیبت، باید به فقیه تحویل داده شود که نیمی از این خمس، سهم امام و نیمی سهم سادات خواهد بود (خمینی، ۱۴۲۴، ۲: ۶۶۴) بنابراین خمس معادن استخراج شده توسط دولت باید در اختیار ولی فقیه قرار بگیرد و تحت نظر مرجع به مصارف ویژه آن برسد و دولت تنها به چهار پنجم آن دسترسی خواهد داشت. بنابراین مالکین خصوصی و عمومی معادن در پرداخت خمس یکسان می‌باشند و پرداخت خمس توسط آنها به مرجع واجب می‌باشد. با این حال آیت الله خامنه‌ای نظر مخالف با این موضوع را بیان می‌دارد: «معادنی که دولت استخراج می‌کند، نظر به اینکه ملک خاص شخص یا اشخاص نیست بلکه ملک جهت است لذا شرط وجوب خمس را دارا نیست و در نتیجه جایی برای وجوب خمس بر دولت و حکومت باقی نمی‌ماند. (www.khamenei.ir)

برخی دیگر اشکال می‌کنند که درآمد دولت از معادن، صرف مصارف عمومی می‌گردد. این دیدگاه بدون در نظر گرفتن مصارف خمس بیان می‌شود چه اینکه تنها نیمی از خمس به امام تعلق می‌گیرد و نیم دیگر به سادات تعلق می‌گیرد، بنابراین سادات در نیمی از خمس سهم دارند بنابراین می‌توان نیاز مالی این دسته از افراد جامعه را با این بخش از خمس معادن دولتی برآورده نمود. بنابراین در پرداخت خمس معادن، بین افراد و دولت تفاوتی وجود ندارد و پرداخت خمس معادن بر هر دو گروه واجب است. در روایت صحیح این ابی نصر، از امام باقر (ع) سوال شد که آیا خمس را پیش از کم کردن هزینه بیرون کند یا پس از آن؟ حضرت در پاسخ فرمودند: پس از هزینه (کلینی، بی تا، ۲: ۷۳۰). بدیهی است مالیات از مصادیق هزینه است. پاسخ امام هادی (ع) بر سوالی مشابه بدین گونه روایت شده است که صریحاً فرمودند: «بر او خمس واجب است پس از احتساب هزینه خود و هزینه کسانی که از آنان سرپرستی می‌کند و مالیاتی که حاکم می‌گیرد» (طوسی، بی تا، ۴: ۱۲۳)

نتیجه گیری

کشور ما با سطح گسترده معادن ارزشمند، از معادن معدنی تا ذخایر نفت و گاز، درآمدهای کلانی را از این راه بدست می آورد که نه تنها افراد، در معادن خصوصی، از آن بهرمنند می شوند، بلکه دولت هم با در اختیار داشتن این معادن، از این سرمایه های الهی منتفع می گردد. با بررسی روایات منقول از ائمه معصومین (ع) این چنین بر می آید که به طور مطلق بر معادن، خمس تعلق می گیرد. در این میان، با کمی اختلاف، جمیع فقها بین انواع مختلف معدن، اعم از معادن ظاهری و باطنی، معادن استخراج شده توسط شرکت های خصوصی و دولتی در پرداخت خمس تفاوتی قائل نشده اند و بر همه این نوع معادن، خمس را واجب دانسته اند. بدیهی است مالیات معادن که توسط دولت اسلامی از بهره وران معادن دریافت می شود جایگزین خمس نخواهد شد حتی اگر مالیات پرداختی از میزان خمس بیشتر باشد زیرا در نصوص مربوط به بحث، شاهی بر ساقط شدن خمس با پرداخت مالیات یافت نمی شود و در همه موارد خمس معدن ثابت گردیده و تنها در جزئیات پرداخت آن، از جمله حد نصاب آن، چند دیدگاه مطرح شده است.

منابع و مراجع

- [۱] اردبیلی (مقدس اردبیلی)، احمد بن محمد، ۱۴۰۳، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازهان، انتشارات جامعه مدرسین قم، اول.
- [۲] امامی، سید حسن، ۱۳۱۴، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، اول، تهران
- [۳] بهجت، محمدتقی، ۱۳۸۷، جامع المسائل آیت الله بهجت، سوم، انتشارات شفق، قم.
- [۴] جان نثاری، عباس، ۱۳۹۲، خمس معدن، فقه اهل البيت، ش ۷۴.
- [۵] حمیری، عبد الله بن جعفر، ۱۴۱۳، قرب الإسناد (ط - الحدیثه) - قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- [۶] حر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۱ ه.ق، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البيت، اول.
- [۷] حر عاملی، محمد بن حسین، ۱۴۰۳، وسائل الشیعه، اول، نشر، دارالفکر، بیروت.
- [۸] حلی، جمال الدین الحسن بن یوسف بن علی بن مطهر (علامه حلی)، ۱۴۱۹، قواعد الاحکام فی معرفه الاحلال و الحرام، اول، موسسه النشر الاسلامی، قم.
- [۹] حلی، نجم الدین ابی القاسم جعفر بن الحسن (محقق حلی)، ۱۴۰۹، شرایع الاسلام فی مسائل الاحلال و الحرام، دوم، انتشارات استقلال، قم.
- [۱۰] راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد بن المفضل، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشرالکتاب، مصر، چاپخانه میمنه، اول، ۱۳۲۴ و چاپخانه خدمات چاپی، دوم، ۱۴۰۴ ه.ق.
- [۱۱] طاهری، حبیب الله، ۱۴۱۸، حقوق مدنی، دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
- [۱۲] طباطبائی حکیم، سید محسن، ۱۴۱۳ ه.ق، مستمسک العروه الوثقی، قم، موسسه دارالتفسیر، اول.
- [۱۳] طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، ۱۴۰۰، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، دوم، دارالکتاب العربی، بیروت.
- [۱۴] طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۴
- [۱۵] علی محمدی، طاهر، نوری، سمیه، خفایی، کبری، بشیری، عارف، ۱۳۹۳، بررسی فقهی مالکیت معادن با رویکردی بر قوانین موضوعه، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
- [۱۶] کاشف الغطاء نجفی، بی تا، جعفر بن خضر، کشف الغطاء، چاپ قدیم، اصفهان، انتشارات مهدی، اول.
- [۱۷] کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، بی تا، اصول کافی، ج ۲
- [۱۸] موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۴۲۵، تحریر الوسیله، بیست و یکم، نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
- [۱۹] موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۶۹، صحیفه نور، اول، انتشارات سروش، تهران.
- [۲۰] موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۹ (۱۴۲۴ ه.ق)، کتاب البیع، ج ۲، تهرانریال موسسه تنظیم و نشر آثار امام، اول.
- [۲۱] موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۴۲۸، موسوعه الامام الخوئی، کتاب الخمس، ج ۲۵، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، قم.
- [۲۲] موسوی عاملی، سید محمد بن علی، ۱۴۱۴، مدارک الاحکام، بیروت، موسسه آل البيت، اول.
- [۲۳] نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۷، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، سوم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- [۲۴] www.khamenei.ir